

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
ویومیه (جبل المتنین)

(عنوان مراسلات) ***
طهران خیابان لاله زار
نام مدیر میرزا سید حسن کاهانی
دیبر اداره افاق شیخ یعیی کاعانی

خیابان روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

جبل المتنین

۱۳۱۹

طهران

| قیمت اشتراک سالیانه | |
|---------------------------|-----------|
| طهران | ۳۰ فران |
| ساختمان داخله | ۲۵ فران |
| روزبه و فقر | ۱۰ میلیون |
| مایز مالک خارجه | ۳۰ فران |
| (قیمت یک نسخه) | ۴۰ |
| در طهران صد دینار | |
| ساختمان ایران سه شاهی است | |
| قیمت اعلان مطربی | |
| دو فران است | |

روزنامه یومیه می‌آزاد سیاسی اخباری تجارتی علمی ادبی و اخلاقی

با اعتماد قبول و در انتشاری اداره آزاد است

سه شنبه ۵ شوال المکرم ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۶ ابانماه جلالی ۸۲۹ و ۱۲ نومبر ۱۹۰۷ میلادی

(و ظائف عمدۀ کاینه)

بار قانون نمیروود چنانکه هیچ بارکش آرامی خود تن
بیارکشی نمیدهد باید عنقا اورا فیل بار آورد و خواهی،
خواهی مجبور بر قبول نمود اینکه بعضی یندارند شرارت
مختص الواط است غلط وی مأخذ است جمیع طبقات
و هر صفت طالب استقلال و خود سری هستند حتی
بقال و نانوا تازور در کار نیاشد حق خود قانع نمیشوند
ملابوظه، ملائی رفوار نمیکند اعیان حد خود را نمیشنند
سختی لازم است درشتی و شدت میخواهد همین رعایتی
ملوک بودند که بیچاره تین افراد و طبقات میگذشند
بعض انکه قدری دهنده راست دیدند ازدادن مالیات
و مال الاجاره در بعض نقاط من پیچیدند بلکه بر اینار و خانه
و بازار حمله نموده و هرچه را اتفاق بفارت برداشت —
و ظبیله دویم که در اهمیت و لزوم کمتر از اول
نیست فراهم کردن بول است و این امر چندین شعبه
دارد یکی اصلاح بود جه مالیات که دخل با خرج
مطابق شود بلکه نظر به لاحظات بسیار و خر جهای
فوک العاده که در یک مملکت قطعاً واقع می شود باید
دخل را بر خرج فزونی داد عاجلاً بهمان طور که در
کمیسیون مالیه کرده اند بسیاری از خرچهای گزاری را
اسفاط نمود و در اول مرحله خرج را با همان دخل
سابق مقابل نمود بعد از آن شروع گرد به افزوندن دخل
از مراتع ای صحبیع و راههای حسابی مثلاً بعد از تبدیل
علمی و ممیزی اسلامی تقطیع یک مبلغی بر دخل زیاد
خواهد شد و در متابل باید بر قوای ملکی از همان
راه افزود قشون منظم ترتیب داد و سر باز داو طلب
یا اجباری گرفت، ایجاد تعبیر نیز در اول مرحله
لزوم است زیرا که بعلاوه زیاد شدن دخل باعث

درسه چهار روز قبیل شروع دراین عنوان نموده
گفته مهمنترین وظایف این کاینه جدید دوام راست که
برنام و آپ مقدم و از خواب و خوارک واجبت است
اول تائین بلاد داخله و تنظیم ممالک و ایالات ایران زیرا
که امروز نجابت و عدم نجابت گفایت و بیگایتی ما تها
بسته بهمین امر است در اول مشروطیت ائمه تحسین و
تعجبید که عالم را پر کرد از اینرا بود که بدون اختلال
و سلب امانت وی آنکه قتل و غارتی واقع شود بشکل سلطنت
مشروط، و تأسیس پارلمان موقق شدید خدا رحمت کند
پادشاه کبیر و مرحوم مشیرالدوله را که این تسکن و آرامی
از اثر حسن نیت و اقدامات اندو غفران مساب بود،
و اینهمه بدنام و سرزنش و تقدیر و تشریف داخله و خارج
در این چند ماه اخیر مبنی بر عدم انتظام بلاد و خون
ویزی است بسی هبته اولین وظیفه کاینه استقرار امن
و امان است تا زبان بدخواهان بسته گردد و مجال
جولان اجانبرا باقی نهاد و الیه رفع اشرار قوه و
قدرت لازم دارد عرضه و گذایت میخواهد باملایمت و
فرمی و تعارف نمیسازد زیرا که طوری چیره و خیره
شده اند اسکه بهزار آیه وحدت و گور بند و اندرز
اندکی از فساد و هرارت دست بر نمیدارد طبع انسان
بالقطعه سرگش است لجام و دهنده میخواهد من هم خیلی
چیزهای خوب دوست دارم که شما دارید وقتی دیدم
حساب درکار نیست فوراً با مواف عما طمع میکنم اینسته
هلا از اول دنیا تا کنون متفق اند که هیچ مملکت بدون
حکومت اجباری منظم نمیشود احمدی بخودی خود زیر

خواهد بود انگلستان بعد از آنکه در مصر وارد شده و مالیه مصر را مختل دیدند در اصلاح امور ملاحتی کوشیده در آنکه سالی مصر را آباد نموده امروز حاصل پنجه مصر بعد از پنهان امریکا از اهالی مسالک پیشتر و اعتبارش زیاد تر است هر لئے سی میلیون لیره انگلیسی که از میصد إلى چهار صد کرون پول ایران ماشد پول از فرنگستان در بهای پنهان وارد مصر میگردد و تجارت‌خانه‌ای بزرگ در اسكندریه و قاهره دارند و فوج از هرجوت بدان ملک وارد میشوند و بر ثروت و عنده جمیعت میلاربیند چنانکه سالیانه پاترده میلیون لیره پیشتر بودجه مالیه و دوازده میلیون جمیعت اجراست و ایران اکر بدین نسبت آباد شود باید صد کرون خوش و پانصد کرون تومان بودجه آن بتوود قیمت اراضی فوق الماده ترقی کرده که یک متر مربع زمین در حوالی موسکو یکصد و پنجاه لیره یا هفتصد تومان تقویم میشود اراضی ایران بواسطه پستی و مسدی خیلی زود قابل آبادی است زیرا که آبرا زود تر و آسان تر میتوان وارد زمین نمود تهم در همه ایران پنج عش سد بزرگ و قریب سی صد کوچک است که برای بست آنها ده میلیون تومان کافی است دیگر آنکه همه قسم محصول در تقاضه میخانه ایران بعد می‌باشد و حاصله‌ای کسر میری و مردیگر را خوب فریبت میکند همت وزیر فلاحت منتج آثار مفیده در این ملک میشود که در ابتداء بیددو سه‌امر جزئی را مختار نظر نموده صورت بدهد یکی آنکه تخمین‌ای حاصه‌ای میخانه که در ایران نیست از ولايات بعده آورده در جاهای مناسب دستور کاشتن بدینه دویم اینکه قدری در اسپای زواعت اصلاح را لازم دانسته مادینه‌ای مختار تازه اختراع را در جای اسبابهای که بکار یندازند تقریباً اسباب فلاحتی ما دو هزار و پانصد سال است که تغییر نکرده و حال آنکه در این‌مدت طولانی تمام اوضاع عالم مکرر تبدیل یافته است، فریبت موافق نیز نهایت مهم است و بازدست دستور العمل و موازنی تفاوت فاحش از این رهگذر میتوان حاصل نمود چرا باید ابریشم ما در ده قسمت دو قسمت اعلی و پیش خشن باشد چرا باید پشم حیوانات اطیف و قابل استعمال برای ترمی و قالی و غیره نباشد و حال آنکه اینکارها کرون و میلیون خرج ندارد قشون و سپاه نمیخواهد دیگری از منابع ثروت وسائل اخبار و حمل و کل است اینجا یک مثال جزئی میزمن تأثیر نهاده مطلب بیدست آید و پیکره کار معلوم شود انگلیسها برای ارتباط با هندوستان و تقاضه مشرق زمین مجبور بگشیدن

گنفهم کلی در سابلات و دوازده دولتی و مائی امت چنانکه پاکستان و ایران جناب احسن الدول در عربیان برقرار گردید، حقوق مدنی نیز لازم است گرفته شود چرا که با همین وضع مشوش باز چندین مدن در ایران است که فلز و غیره میدهند و جمیع در آنها مشغول کارند چون مدن پیروزه نیشا بور و مس سبزوار و سرب حوالی زنجان و ذغال سنگ طهران و لاچورد کاشان واکر آوردن رمل لاچوره خارج راقدعن کنند هی ساله زیاده از گرور لاچوره کاشان فانده خواهد داد و عرضش عاید دولت خواهد گردید، ماهی و صید مرغابیزد و غیره هر اکر منظم شود دارای اهمیت بسیار میشود و بله مصالیانه فانده میدهند، برای حیوانات نیز لازم است رار صحیحی داده شود زیرا که رؤسای ایلات مثل اقبال السلطنه و دیگران هر سل بنام کشک و پشم و روغن و گو سفند زیاده از چند و چون گرفت اندوخته می‌کنند و بدین سبب غرور بر داشته اطاعت از دولت و ملت میشانند یکی از دوستان من صورت ماخوذی سنوی اقبال السلطنه را نوشته باداره تقدیم کرده، و چون یافرنس و مطلع از آنحداد است خیلی من مطمئن بصحت حبایش هست در آنجا عایدی یکسانه اورا زیاده از میصد هزار تو مان میتویسد بهمین مبنی است اینکه اقبال السلطنه پول نقد را شمش ٹلا کرده در بالک پر وان فرازه بوضع منفذ کرایه بالک را میدهند — خلاصه آنکه فراهم کردن پول خیلی مهم نمی‌باشد و یکشنبه این بودجه است یکشنبه دیگر فریبت از دیداد ثروت داخله صفت یعنی منابع ثروت را بکار بیناند زند و ازان معرفه مصالیانه بمالی فایده عاید ملت و دولت عود یکی از منابع بالک است میلکتی که بالک ندارد اعتبار مدارد و زمام اختیارش در دست دولت خارج است چنانکه امروز اختیار دولت ما در دست بالک روس و انگلیس اقادة هر جماعت بخواهند طهران را پر از پول گرده و هر دفعه میل کشند لحظ پول در طهران میشود، چرخ تجارت نردش نمیکند مگر بقوه بخار بالک، امر و ز میلار پول ما بکف خارجه است ما نمیتوانیم پول خود را در یک قیمتی که مول و صرفه ای باشد نکاه داریم زیرا که بالک نداریم (بورس) صرایه حسای نداریم — دیگر او منابع ثروت فلاحت است که در ایران لائق ترقی زیاد است رودخانه هیرمند را که در سیستان واقع است نیل کوچک میگویند دره های حاصل خیز و اراضی مبنیه ایران تالی اراضی امریکا است امواز پاکستان میتواند مقابله بکند اگر درست متوجه هویم و لوازم کار را فراهم نماییم منابع فلاحتی ماده پر ابر قطر مصری

درج این از شئون هزار تومن ماظور شد، خارج سلطنتی یک قرور نقد و پنج هزار خوار جنس و پنج هزار خوار کا، رای گرفته شد حقوق سایر ارباب حقوق از ادل استحقاق و اهل نظام بحال خود برقرار مازد و از صاحب‌نشیان خارج فوج و شاهزاد کان که اشتغال بخدمت نداشت، و حقوق زیاد میردند با ملاحظه ثروت و مکنست بتناسب اسر نده دو همه اینها ملاحظه فقر و غنا راشتغال به خدمت و عدم آن و قابلیت محل و بادری آن ماظور شد و از نام حقوق انجه که اسن کذا شده شد نماین هزار تومن است رئیس وزرا و عموم وکلا و آفیان حجج هم کی ز حمایت و خدمات بی غرضانه و مت خواهی اعضای کمسیون مالیه را ماظور داشت اظهار امتحان گردند و از این توسعه و تغییر که اول قدم تنظیم و اصلاح امور و ترقی مملکت است خلبان خوش وقت و شاکر شدند و کفته شد که طرق ترقی و ثروت از برای ما همه قسم ممکن است از اخراج هادن و تصفیه طرق و قسط بچ شوارع و بادری اراضی و غیر ذلك این جرح و تغییر هم‌الجه فوری و فعلی بود و بعد این باید بر ثروت مملکت افزود و از تغییرات رعایا کم کرد اظهار شد که ملیات بمنوان زکوة ده یک گرفته شود کفته شد که بمنوان زکوة شرعی با آن شرایط مقرر نمی‌شود مالیات گرفته باشد حفظ مملکت و نظام آن را برقرار نموده مگر از راه اینکه چون حفظ مملکت و استخلاص آن از مخاطرات محتاج به‌الله است و پرداختن آن بر اهالی مملکت واجب در این راه بود اسم که باشد باید گرفته بشود و باهم زکوة بمنزله و سخ و چرك است همان طور شارع مقدس اورا بر مستحقین تجویز گردد این شخص میر و صاحبان ثروت باید اورا بخورند.

اظهار شد که کمسیون مالیه لازم بود که صورت جمع و خرج را جزء اجراء بین نهاد، جلس نموده باید تا از روی بصیرت و اطلاع از تغییرات آن مسبوق شده رای بدھر گفته شد که امساله دیگر وقت و بورصت نبوده باید رای داده شود برای سال آتیه دفعاً بمقابل این مدت بعد از این تغییرات تخصیلی رای داده شود مذاکرات زیاد شده با‌آخره رای گرفته شد از آن صورت بودجه که از کمسیون مالیه بمقابل آن بوده کاغذی که وزیر دربار در خصوص تشریف آوردن این تغییرات در روز سه شنبه سه ساعت هر روب ماده بمقابل نوشته بودند قرأت شد عموماً صدای

سیم تلگراف بودند و در اوائل سلطنت ناصر الدین شاه مرحوم با اندک وزراء هم ایکی از عالم پایتیک و فن نزهت بی اطلاع بودند اجازه مکشیدن سیم تلگراف خواسته مبلغی در اون نظریم مکرده و از سه سیم یک را بخرد ما واگذار نماید در رأس مدت سی سال مثلا هم قرار شد تمام دستکاره متعلق با ایران باشد حالا کار نداریم پاینکه در عرض ایندست که قدیم باید مدخل کنر که بعلاوه مخارج گزای اداره اصل و فرع یول را بر داشت کرد مبلغی هم زیبادی عاید دارند و اگر ایران خودش این سیم را گشیدم بود جه قدر هم یول خارجه را در ازاء مخارج برمه جلب میگرد — مقصود از وائده فتدی است که ایران یکشاہی خرچ نماید و مبلغی کرقت صاحب سیم هم شد آخر مدت همه دستکاره را مالک گردید امروز باز محتاج بسیم قبادی شده میگشند و یک سیم با ایران میدهند بعلاوه مبلغی از قیمت مخابرات اروپا و هند و مشق مال مامت و عمده دخل تلگرانخانه از همان محل است حل اگر به‌تمام قاط سیم بگشیم و هر جا اتفاق نماید دارد سیم را میگرد فعایم چه قدر ها وائده خواهد داشت — سالها بود که سیم تبیز و رشت یکی بوده بعنی از طهران تا قزوین یک میل بود و از آنجا دو شعبه میشند یکی به رشت و یکی به آذربایجان و اگر با رشت مخابره میگردند دیگر با قاط آذربایجان مخابره ممکن نبود مبالغه تلگرافات ممکن میشند و بزمین میمادند و همچنین سیم کرمان و شیراز تا نصف راه یکی بود و مخبر از این دفعه جزئی فاتح میشود ولیکه سپهبدار زیاد کرد و تلگرانخانه را کرقت ناچار سیم این دو نقطه را از هم جدا نمود یک رشت دیگر تا قزوین کشید و سیم کرمان را از فارس جدا نمود و مبلغی فائده عاجل یا آجل حاصل کرد (بقیه دارد)

خلافه مذاکرات مجلس دارالشوری

(یکشنبه ۳ شوال)

و ابورت که بیون مالیه که حاوی بر خلل و موجبات بی‌نظمی مالیه و خرق ترتیب و اصلاح آن بود با صورت جمع و خرج که جرح و تغییر و توسعه شده است و توق از این دفعه شرح داده قرائت گردید مخصوص آن اینکه از تفاوت عمل و تعمیرات و تنبولات و تغیر مخارج دولتی و حقوق شاهزادگان و وزرا و بعضی از حقوق فرق العاده معادل هشت کرور برآورد شده که جمع و خرج مساوی عد حقوق شاهزادگان بزرگ درجه اعلای آن ازدوازده هزار تومن و مقداری جنس و حقوق وزرا منتهی

چون واقعات مهم این مملکت از تظاولات داخلی و خارجی پوشیده بود همه روزه بواسطه تلکرافات و روزنامه‌جات اخبار اختشاش این سامان در کابه نقاطه عالم کو شد جمهور ام می‌شد و بطوری بود که، خنی باشد از کابنه وزرای مسئول چند فقره مستدعیات خود را که علت غائی انتظام ماسکن بود عرض و استدعا نمودم چهار فوج و یکصد نفر فراق و هفتصد نفر سوار برای اعاده نظم این مملکت خواستم مسئولم با جایت مقرون آمد و امر بحرکت این بنده بجهانیاری شد که بفلاحت چند روز این استعداد را حرکت بدیند و معجل بررساند منزم بوظیفه وطن پرستی و ملت خواهی با کمال استظهار و امیدواری حرکت نموده باذر بایجان آدم و صاحبان عقل سليم و ادراکات مستقیم میدارد و قیمه بنده را برای آذربایجان با آن شرایط و احتیاج تامه که در عمل قشونی و مملکتی مبذول و باین خدمت انتخاب فرمودند و آدم این حکومت مسلمان تمام وزارت خانها را بجمع داشت ابدأ هوای وزارتی در سر زمامت عکس، قصدم آمدن طهران و ارتفای رتبتی بالا فر از این مقام باهد (کنشت عیش جاویدان باخوان باد ارزانی)

(که من از فرقه یوسف سر بیت الحزن دارم) با این همه شرط و التهاب در فرستادن استعداد و مواعید شتی الی کنون از این افواج و سوار خبری نرسید و از ظاهر نشر حتی فوج خدمه که تمام لوازم اش مهیا و در شهر خدمه حاضر بودند و مقصدهن نداشت از برای بنده فرستاده نشد و هن قدر تلکراف بکایه وزراء عرض کردم جوابی ساعه و قاطع برای تبیین تکالیف این مملکت مرحومت ذکر دید که سر مشق اقامات خود چرار دهم علاوه بر این موافق آیه تربیه (ابی الله ان یجری الامور الا باسماها) اسباب کارم فراهم بود و با فرج زعفر جنی هم تویه این اسورات ممکن که بناء علی هم‌ذا با هزار کونه تدبیرات و ایت و لعل تا یک اندازه شهر را منظم داشته رشته کفه‌گوئی ملاک و مباشرین و رعیت بوده که منبع خبای تقدیمات بود تایک درجه مرتفع داشتم و امده خوی و ماکورا که شرحت در کابه جراحت ثبت امت اصلاح نموده طرق و شوارع را تایک اندازه منظم داشته عابین و مدن ددین با کمال رفاه حرکت مینمایند و بیش از این حالت بی استعدادی از قوه بنده خارج و در صورتی مورد ایجاد میکردم که لوازم انتظام به بنده مرحمت می‌شد و در ازدام بخدمت آسمان و آفادر می‌ورزیدم (ثانیاً) متوجه است که مجلس مقدس منتظر جواب تلکرافی است که ولای اذربایجان به بنده کرده اند نمیدانم کرام

زنده باد اعایضیت را بلند کرده خوشوقت و خوشحال هدله و کفه عدد که روز دوشنبه صبح عmom و کلا حاضر شوند برای تبیین مذاکرات روز بعد اظهار شد که اعتبار نام از اصفهان برای وکالت مصدق السلطنه رسیده و تلکرافات دیگر هم رسیده که ما او را انتخاب نکردیم مک بواسطه تلکرافات خواهشانه از طهران کفته هد که شرایط وکالت در شخص ایشان موجود نیست یکی از آنها اینکه سن ایشان کمتر نیس سال است (مجلس ختم شد)

(لایحه حضرت والا فرمانفرما) خدمت جناب مستطابه قدسی فصاب مدیر مختاری چریده مقدس جبل المتن دامت برکانه فرمودت میدهد (ماکل ما یتمنی المرء بدره)

(تجزی الریاح بمالا تشنه السفن) در شماره یک صد و چهل و یکصد و چهل و یک روزنامه یومیه جبل المتن جزو مذاکرات دارالشورای کبری شید الله ارکانه شریعه راجع باذر بایجان و حکومت این دوستان مذاکره و درج کردیده عین آن اعتراضات را عرض مینماید و بعد می‌ساخت جواب میکند که کشف حجاب از چهره شاهد مدعای بشود نمره ۱۴۰ بعد از ختم مذاکرات حضرت مستطاب اجل مختار مسلطه دامت برکانه اظهار می‌شود عدم انتظام داخلی آذربایجان از فرمان فرمایت و ایشان مسئول نظم آنجا می‌باشد مجلس منتظر جواب تلکرافی است که وکلای آذربایجان نمودند، اکر از عهده بی تبیین استهنا بدهند نمره ۱۴۹ در خصوص مالیات آذربایجان و فارس مذاکره شد که این حکومت خود را مسئول مالیات نمیدارد و وزیر مالیه هم میگوید من مسئول نیستم کفته شد که حکم امساله پیش مایل سی ایام مالیات را در عهده گرفته اند و مسئول مالیات هستند وزیر مالیه هم مسئول مجلس است هر کاه نمیتوانند استهنا بدهند قرار شد وزیر مالیه و وزیر داخله را بخواهند در این باب مذاکره شود و گفته شد هر کاه این دو حکومت بخیل آمدن بیانیخت برای مناصب عالیه میخواهند استهنا بدهند باید گفت که استهنا از کایه مشاغل دیوانی بدهند و دیگر باین خیالات نمیشود که بمناصب عالیه نائل هد (خردیا زین ماما پرده بی دار) از آنجا که خیالات عالیه بطاله، گفتد کان مختارم چریده از این بنده مشوب نشود مختصری از مظلوم و مجملی از مفصل راعی ضمیماید و تمنا میکنم در چریده مقدمه درج فرمائید (اولاً) عدم انتظام آذربایجان را که بدوسه دار راجع میدارند عرض میکنم وقتی که بنده را برای حکومت آذربایجان انتخاب نمودند

جیست و چاره ام چه؟

(ما فی الدیار مجادب الامدی المتصرف)

(و اگر قصد الفزال و الفعل)

و گفتم بمنه از مشاغل دولتی است عرض میگنم
(پسندم ایچه دلدارم پسندد) خدا را بشناسد میطلبم
که از بد و آسان مشروطیت ناکمال شرف و سعادت
خدمت نموده و نعمت خواسته و تا عمر دارم دست
از ساخت اینمشروع مقدس مر نخواهم داشت وروی
نخواهم تافت و اگر عطف نظر بسایرات تاریخی ایران
بهرمایید خواهید دید که اعراض نفسانی و اختلافات
نوعی ایران وا بین مذلت و ویرانی رساند انعدام
بنده که مطلبی نیست (سرهل باشد زیان مختصری) امیدوارم
که در میحکمه عدالت البره داد خواهی خود را بنایم
ز پاده ز حمت فرمیده دهه ۳۲۵ هجری (عبدالحسین فرمادرما)

(تلگرافات خارجه)

از لندن و وز نامه مقالة در مخصوص مأمور گردن
کمیون مخصوص بجهة تحقیق وغور رسی در مسئله
کشیدن راه آهن بهند وستان میگاردامنداد این خط باعث
خواهد شد کهار لندن بکارهی در مدت هفت روز و
نیم پیموده شود و در صورتیکه خط راه آهن بداد
که متعاق بدولت گشان است تمام عود و ازمام آن خط
یقیناً منافی یامنافع امکیس میشود این خط جدید در مقابل
آخط راه آهن مزبور اهمیت پاتیکی و اقتصادی و تجارتی
خواهد داشت

وزیر خارجه روس مراجعت به پطرزبورغ نموده است
در پطرزبورغ چندین نفر مشیان اداره نظامی
دستگیر حکومت کرد یعنده پس از استنطاق معلوم گردید
جهیزی در صدد بودند که بوسیله نارنجک دار الشورای
عسکری رادر مواعیکه وزیر چنک حضور داشته باشد
حراب قمایند

از لندن یکی از کشیهای معروف کاتولیک در عیجوتی
ورده حکمی گهدراین اوآخر جناب پاپ در تقبیح و توہین
علوم و عقاید جدیده صادر فرموده بودند نوشته و در
روز نامه طیمس طبع نموده جناب پاپ بدان ملاحظه
و اطلاع حکم بتکلیف کشیش مزبور صادر فرموده اند
در ساخته زلزله فرا طاق بخارا اخبار مختلفه
میرسد و از معنی اطلاعات معلوم میشود که سه مرتبه زلزله
متواتی شده و پس از آن بلا فاصله کوه فزو رویخت عدد
تلفات از هزار ویانده نفر الی بیش هزار کفته میشود
از لندن بزر اطراف برئیس جمهوری امریکار
اصرار مینمایند که میباشد کنگره ملی را فوق العاده احضار
و منقد نمایند که در مخصوص وضع حالیه مالیه مذاکرات
نمایند

غمد فاماً که در سنه ۱۸۵۵ بسته هده و هر ضم

تلگراف است و تا کنون همچو تلگراف از وکلای محترم
آذربایجان دائز قبول حکومت یا عدم قبول زیارت
تلگراف که در قام جواب بر نیامده باشد (نانا) اعتراض
دهد است که مسئولیت مالیات را قبول نمینماید عرض
میگنم کی؟ چه وقت اصفای عرایض را نمودند و ازینده
ترتیب عمل مالیات آذربایجان را پرسیدند که جواب لا
و نه بدهم؟ کرازا لب بعمل مالیات آذربایجان گفتا
و تلگراف اما عرض نموده که مرادر تلگرافخانه بخواهد اطلاعات
خود را و اظهارات حکام جزء را گرایجع بمالیات است
عرض کنم تکلیف را معین فرماید اوقات با کمال شرف
و معاذت قبول خواهم کرد مالیات آذربایجان را ممکن
ست تا یک درجه بشرط و لوازم معین وصول نمود
نهایی مخفی واع شیر منتظر را باید اصلاح فرمایند
مثلاً از نوب مستطلاً اب اشرف والا شاهزاده امام الی
میر زای امیر تومن که از نوکر های محترم دولت
جوید آیت است مسئولیت و تقبل مالیات ارومی را
میخواهم صورتی فرمایده است که قریب سی هزار
تومان محل مالیات ارومی را عساکر عثمانی تصرف
کرده و مالیات میکرند و در این بحث تسلیمات کرده
است که اغلب اظهارات تلگرافی معزی الیه را عیناً
بطهران عرض نموده ام حالاً اگر قصد از تقبل مسئولیت
بنده این است که اینتوه مالیات را هم قبل نمایم پس
چرا باسم مالیات آذربایجان بنده رامسئول مینمایند مالیات
بصره هم را بفرماید مثلاً یشکشی حکام جزو آذربایجان
را که اغلب محلی جز تاریف و تکلیف نداشته و با صلاح
قدیم از بابت چوب و مالک بوده است و فعلاً جزو
عمل مالیات کرده اند و من هم بحسب تکلیف از حکام
جزو میخواهم رشید الملک امیر تومن که حاکم اردبیل
و متکن و فرآجه داغ و خاکسال است کراراً درین
تلگراف نوشته است در صورتیکه این وجوهات که قریب
هزارده هزار تومان میشود و محلی ندارد چرا پای من
جمع میگنید و از چه محل بپردازم و تصریحاً استعفا
مینماید تلگراف او را مکرر در ذیل تلگراف خودم
عیناً درج کرده و بوزراء اظهارات داشته و جوابی مرحمت
لش و شید الملک هم مالیات این چند محل را در این
هفت ماه بدون مداخله کذارده است تا تکلیف اوضاع
هود آیا مسئول یک همچو مالمه که حکام جزو آذربایجان
مطرح مذاکره کرده اند باید من باعث ابدآ جوابی در
این مقولات به بنده فرمایند و همه روزه عساکر عثمانی
هم جلو میایند و بر تخطیات خود میافزایند

و جان برادران وطنی خود را بشهادت میطلبم
و بقدسات عالم قسم میدهم که کنایه بنده در این مورد

چون واقعات مهم این مملکت از تغذیلات داخلی و خارجی پوشیده بود همه روزه بواسطه تلکرافات و روز نامجات اخبار اختشاش این سامان در کعبه نفاط عالم کو شرکت جمهور ام میشد و بطوری بود که مخفی باشد از کابینه وزرای مستول چند لفڑه متذمیر خود را داشت علت غائی انتظام مملکتی بود عرض و استدعا نموده چهار فوج و یکصد نفر هزار و هفتصد نفر سوار برای اعاده نظم این مملکت خواستم مسئولیت با جایت مقرر آمد و امر بحرکت این بنده به یاری شد که بفضلله چند روز این استعداد را حرکت بدنه و معجل بردازد منهم بوظیه وطن برستی و ملت خواهی با کمال استثمار و امیدواری حرکت نموده باذر باستان آدم و صاحبان عقل سليم و ادریاکات مستقیم میدارد و قیمه بنده را برای آذربایجان با آن شرایط و احتیاج نامه که در عمل قشونی و مملکتی مبذول و باین خدمت انتخاب فرمودند و آدم این حکومت مسلمان تمام وزارت خانها را جایی داشت ابدآ هوای وزارتی در من زنگنه عکس قصد آمدن طهران و ارتفای رتبه بالا فراز این مقام باشد (کنشت عیش جاویدان باخوان باه ارزانی)

(که من از فرقه یوسف سر بیت الحزن دارم) با این همه شدت و التهاب در فرستادن استعداد و مواعده شتی ائم کنون از این احوال و سوار خبری فرستید و ائم ظاهر نشر حقیقی فوج خمسه که تمام لوازم اسنان مهیا و در شهر خمسه حاضر بودند و مخصوصی نداشت از برای بنده فرستاده نشد و هر قدر تذکر ایشان را بکایه وزراء عرض کردم جوا بن ساعه و قاطع برای تبیین تذکر ایشان مملکت مرحمت نکرید که سر مشق اقامات خود قرار دهم علاوه بر این موافق آید کویمه (آی الله ان یجری الامور لا باسدا ها) اسباب کارم فراهم نبود و با فرج نظر جنی هم تسویه این امورات ممکن نباشد بناء علی همین با هزار کونه تدبیرات ولایت و لعل نا یک اندازه شهر را منظم داشته رشته کفتوکوئی ملانه و میباشند و رعیت بوده که متناسب خیابان تقدیمات بود تایک درجه منفع داشتم واقعه خودی و ماکورا که شرحش در کایه جراحت نبت امت اصلاح نموده طرق و شوارع را تایک اندازه منظم داشته عابرین و متددین با کمال رفاه حرکت مینمایند و بیش از این حالت بن استعدادی از قوه بنده خارج و در صورتی مورد ایجاد میکردم که لوازم انتظام به بنده مرحمت میشد و در اقدام بخدمت آسمان و قیاعد می ورزیدم (ثانیاً) متعرض امت که مجلس مقدس منتظر جواب تذکر ایشان است که وکلای آذربایجان به بنده کرده اند فیدانم کرام

زنده باد اعایحضرت را بلند گرده خوشوقت و خوشحال هدای و گفت که روز دوشنبه صبح عصر و کلا حاضر شوند برای تبیین مذاکرات روز بعد اظهار ایشان که اعتبار نامه از اصفهان برای وکالت مصدق السلطنه رسیده و تلکرافات دیگر هم رسیده که ما او را انتخاب نکردیم مکرر بواسطه تلکرافات خواهشانه از طهران گفته هد که شرایط وکالت در شخص ایشان موجود نیست یکی از اهالی اینکه سن ایشان کمتر زیست میباشد است (مجلس ختم شد)

(لایحة حضرت والا فرمادر ما) خدمت جناب مستلطنه قدسی فساب مدیر محظوظ جریده مقدس جبل المتن دامت برکاته زحمت میدهد (ماکل ما یعنی المرء بدروی)

(تجربی الریاح ملا تشته السفن) در شماره یک صد و چهل و یکصد و چهل و یک روپیه بیمه جبل المتن جزو مذاکرات دارالشورای کبری شهد الله ارکانه شرحبی راجع باذر باستان و حکومت این دوستان مذاکره و درج کردیده عیناً آن اعزام اضطراری عرض مینماید و بعد میادرت بجواب میگند که کشف حجاب از چهره شاهد مدعای بشود نمره ۱۴۰ بعد از ختم مذاکرات حضرت مستلطنه اجل محظوظ السلطنه دامت برکاته اظهار میشود عدم انتظام داخلی آذربایجان از فرمان فرمایت و ایشان مسئول نظم انجام میباشد مجلس منتظر جواب تذکر ایشان است که وکلای آذربایجان نمودند که اکر از عهده بر تبیین استدعا بدنه نمره ۱۴۱ در خصوص مالیات آذربایجان و فارس مذاکره شد که این حکومت خود را مسئول مالیات نمیدارد و وزیر مالیه هم میگوید من مسئول نیستم گفته شد که حکام امساله پیش سایر سوابق مالیات را در عهده گرفته اند و مسئول مالیات هستند وزیر مالیهم مسئول مجلس امت هر کاه تبیین و انتداب نمایند قرار شد وزیر مالیه و وزیر داخله را بخواهند در این باب مذاکره شود و گفتند شد هر کاه این دو حکومت بخیل آمدن بیاینخت برای مناصب عالی، میخواهند استدعا بدنه باید کفت که استدعا از کایه مشاغل دیوانی بدنه دیدگر باین خیالات نمیشود که بمناصب عالیه نائل شد (خدایا ذین ممما پرده بر دار) از انجا که خیالات عالیه بطاله گفته کان محترم جریده از این بنده مشوب نشود مختصه از مطلع و مجملی از مفصل راء عرض مینماید و تمنا میکنم در جریده مقدسه درج فرماید (اولاً) در انتظام آذربایجان را که بدوسه دار راجع هیدار ندعرض میکنم و قی که بنده را برای حکومت آذربایجان انتخاب نمودند

چیست و چاره ام چه ؟

(ما هی الدیار مجادب الاصدی المتصرف)

(و اگر قصد الفزال والفضل)

و گفتم بمنه از مشاغل دولتی است عرض میکنم
(یستندم آنچه دلدارم پسندید) خدا را بشهادت میطلبم
و که از بد و اساس مشروطیت ما کمال شرف و سعادت
خدمت نموده و نعمت نخواسته و تا عمر دارم دست
از ساخت اینمشروع مقدس مر نخواهم داشت و روی
نخواهم نافت و اگر عطف نظر بآیات تاریخی ایران
پفرمایید خواهید دید که اغراض فسقی و اختلافات
نوعی ایران وا بین مذلت و ویرانی رساد اندام
بنده آنچه مطلبی نیست (سرمه باشد فروان مختصری) امیدوارم
که در محکمه عدالت الهیه داد حواهی خود را بنمایم
ز یادم حمت نمیدهد ۲۳۵ رسانی (عبدالحسین فرمادار)

(تلگرافات خارجه)

از لندن روز نامه بقاله در مخصوص مأمور گردن
کمیون مخصوص بجهة تحقیق وغور رسی در مسئله
کشیدن راه آهن بهند وستان میگارداند این خط باعث
خواهد شد که از لندن بگراجی در مدت هفت روز و
نیم بیموده شود و در سورتیگ خط راه آهن بدداد
که متفاوت بدولت کنان است تمام شود و انمام آن خط
یقیناً منافی با منافع انگلیس میشود این خط جدید در مقابل
آخط راه آهن مزبور اهمیت پاییکی و اقتصادی و تجارتی
خواهد داشت

وزیر خارجه روس مراجعت بپطرزبورغ نموده است
در پطرزبورغ چندین نفر منشیان اداره نظامی
دستکیر حکومت کرد یدند پس از استطلاع معلوم گردید
جهیزی نرسدد بودند که بوسیله نارنجک دارالشورای
عسکری رادر موافق وزیر جنگ حضور داشته باشد
حراب فرمایند

از لندن بگی از کشیشهای معروف گاتولیک در عیجوبی
ورده حکمی که در این اوخر جان پای در تقبیح و توین
علوم و عقاید جدیده صادر فرموده بودند نوشت و در
روز نامه طیمس طبع نموده جناب پای جذاز ملاحظه
و اطلاع حکم بتکریر کشیش مزبور صادر فرموده اند
در سانجه زلزله فرا طاق بخارا خبار مختلفه
میرسد و از بعضاً اطلاعات علوم میشود که صهر تیه زلزله
متوالی شده و پس ارآن بلا فاصله کوه فروریخت عده
تلفات از هزار و پانصد نفر الی بیچ هزار کهنه میشود
از لندن از اطراف برئیس جمهوری امریکا
اصرار مینمایند که مجلس گنگه ملی را فوق العاده احضار
و منعقد نمایند که در خصوص وضع حالی مالیه مذکوران
نمایند

غمد نامه که در سن ۱۸۰۰ بسته شده و هر ضم

تلگراف است و ناکنون همچو تلگراف از وکلای محترم
آذربایجان دائز قبول حکومت یا عدم قبول زیارت
نکرده که در قسم جواب بر نیامده باشد (ثالثاً) اعتراض
دهد است که مسئولیت مالیات را قبول نمینماید عرض
میکنم کی ؟ چه وقت اصحاب عرایض را نمودند و از بنده
ترتیب عمل مالیات آذربایجان را پرسیدند که جواب لا
و نه بدهم ؟ گزرا نسبت بعمل مالیات آذربایجان کتب
و نکار افا عرض نموده کامرا در تلگراف اعتمانه مخواهید اطلاعات
خود را و اظهارات حکم جزء را که ارجع به مالیات است
عرض کنم نکلیف را معین فرمایید آنوقت با کمال شرف
و سعادت قبول خواهم کرد مالیات آذربایجان را ممکن
است تا یک درجه بشرط و از ازم معین وصول نمود
متهی مخفی و ایغیر منتظر را باید اصلاح فرمایند
مثلثاً از نوع مناطق اشرف والا شاهزاده امام کلی
میر زای امیر تویان که از توکر های محترم دولت
جدوید آیت است مسئولیت و تقبل مالیات ارومی را
میخواهم صورتی فرستاده است که قریب سی هزار
تومان محل مالیات ارومی را عساکر عثمانی تصرف
گرده و مالیات میکبرند و در این بحث تا لکرافت گرده
است که اغلب اظهارات تلگرافی معزی آید را عیناً
بطهران عرض نموده ام حالاً اگر قصد از تقبل مسئولیت
بنده این است که اینتوه مالیات را هم تقبل نمایم پس
چرا باسم مالیات آذربایجان بنده رامسئول مینمایند مالیات
بصره هم را بفرمایید مثلثاً پیشکشی حکم جزو آذربایجان
وا که اغلب محلی جز تعارف و تکلیف نداشته و با صلاح
قدیم از بابت چوب و ملک بوده است و هملاً جزو
عمل مالیات کرده اند و من هم بر حسب نکایف از حکام
جزو میخواهم رسیده الملک امیر تویان که حاکم اردبیل
و متکین و فرابجه داغ و خاچال است کراراً درین
تلگراف نوشته است در صورتیکه این وجوهات که قریب
شانده هزار تویان میشود و محلی ندارد چرا پای من
جمع میکند و از چه محل بپردازم و تصریحها استعمال
مینمایند تلگراف او را مکرر در ذیل تلگراف خودم
عیناً درج گرده و بوزراء اظهارات داعته و جواهی مرحمت
نشد رسیده الملک هم مالیات این چند میل را در این
هفت ماه یدون مداخله گذارده است تا تکلیف اول معلوم
شود آیا مسئول یک همچو معاہد که حکام جزو آذربایجان
طرح مذاکره کرده اند باید من پاشم ابداً جوابی در
این مقولات به بنده ترسیده و همه روزه عساکر عثمانی
هم جلو میایند و بر تخطیات خود میافزایند
و جدان برادران وطنی خود را بشهادت میطلبم
و بقدسات عالم لسم میدهم که کنایه بنده در این مورد

ثابت بگشند و اسکر سهوا چند کامه از قلم افرازه
باشد باید فورا در حاشیه نوشته شد و با مصافع
هیئت اداره بررسد

(ماده بیست و پنجم) ثبت و ضبط کارهای عایران
و مصارفهای و حفظ آنها و حسن ترتیب و جریان
امور صندوق بهوده صندوق دار است و هر روز یک کارهای
صندوق دار میردهد باید بر طبق حواله گذین هیئت
اداره انجمن باشد هر روز یک کارهای بصندوقد تحریر یل
میشود صندوق دار قبض وصول چنانی میردهد و بر
طبق آن وصول کارهای باید در اداره ضبط شود
قبض رسیده با مهر انجمن بدھر آن وجه داد شد
و ضبط باوری قبض صندوق دار و انجمن لازماست
(ماده بیست و ششم) اجتماع عمومی در
روز های پنجشنبه و اجتماع هیئت اداره روز های
یکشنبه و سه شنبه خواهد بود

(ماده بیست و هفتم) در صورتی که
یکی از اعضاء هیئت اداره هشت داده متولی
و بدون عذر م مشروع غایب نمایند از درجه عضویت
مساف خواهد بود

(ماده بیست و هشتم) شروع بذکرات
و اخذ رای در موقع تشکیل هیات اداره
وقتی خواهد بود که از نصف ییشتر اعضاء
هیئت حاضر باشند در موقع سوال و جواب
نصف و هنکام رای گیر لق نمایند و نیز
حاضر بشوند

(ماده بیست و نهم) هیچیک از اعضاء
هیئت اداره بدون اجازه هیئت حق ندارند
نوشتجات انجمن را بکسی نشان بدهند

(ماده سی ام) اسکر یکی از اعضاء
انجمن بخواهند نطق در انجمن نمایند لازم
است قبل از وقت خلاصه نطق خود را به
هیئت اداره نشان داده در سورت تصویب
اقدام نمایند

(ماده سی و یکم) مواد این نظامنامه
عند الافتضا با گذشت آراء مؤسین و اعضای
خصوصی قبل جرح و تغییل است

— (خاتمه) —

هر یک از اعضای این انجمن مؤسی و خصوصی
و عمومی چهار داده متولی اداره تشکیل هیئت
عمومی حاضر نشود از عضویت مساف و بلیط
عضویت او توقیف خواهد شد ۲۶ رمضان ۱۴۳۵
(حن الحسینی الكاشانی)

آن دولتين انگلیس و فرانسه منتفقا استلال شب جزیره
اسکاند فوی را که شامل دولتين سوئد و نروژ است
ضمانت نموده اند دیروز در کریستانیا (پایی نخت
نروژ) منوخ و منفصل گردید و در عوض عهد نامه
جدیدی میان دول فرزو و انگلیس و فرانسه و آلمان
و روس بسته شده و با معاشری رسید که استلال دولت
نروژ مصون و محفوظ ماند (توضیح اندک از سنه
۱۸۵۰ آنی سه‌سال قبل مملکتین سوید و نروژ در تحت
سلطنت سوید بوده و با یونیون استقلال و تسامیت اندو
مملکت را اساساً ضمانت گرده بودند در این اوآخر که برودت
و تقاریبین دو مملکت حاصل شد بدون منازعه و خوزیری
از همیگر مجزا شده و اهالی نروژ پیر پادشاه
دانمارک را که داماد سلطان انگلیس است بسلطنت خویش
اختیار نمودند این است که عهد نامه قدیم منسوخ و منفصل
و عهد نامه جدید در استقلال نروژ منعقد گردید)

(بیهی نظامنامه الجمن فتوت)

فصل دوم

— (نظمنامه داخلی انجمن) —

ماده بیست و دویم ترتیبات داخلی و تعیین ایام
تشکیلات فوق العاده و حسن انتظام امور اشاغ و دفتر
داری و صندوقداری مطابق ترتیبی که در مواد مخصوص
بوظایف آنها ارادات میشود و اعضاء نوشتجات صادره
و باز گردن نوشتجات وارد و ترتیب و مذاکرات و اخذ
رأی و امضا صورت مجالس با تفاصیل هیئت حاضره و اختار
مذاکرات جلسه آنها بهینهات مزبوره بعده مدیر و در
غیاب او بعده معاون مدیر است

(ماده بیست و سیم) کلیه مسائل راجعه
بتحریر از قبیل انشاء و یا که نویسی نوشتجات و
صورت مجالس و ثبت اسامی حاضرین و غایبین
هیئت اداره و دعوت اعضاء عمومی رای اجتماعات
اویق العاده و ثبت و ضبط کارهای اوران و اسامی
اعضاء بعده منشی و در غیاب او بعده معاون است

(ماده بیست و چهارم) ثبت و ضبط کارهای اداره
و سورت دخل و خرج و کارهای حوالجات و مخلفات
انجمن و انتظام امور دفتر خادمه و دفتردارامت

در اداره دفتر دو جلد دفتر مجلد باسم دفتر بوده
و سالیانه برای ثبت دخل و خرج باید باشد و
 تمام صفحه های اینها نمره داشته در صفحه اول
انها روز و تاریخ شروع و عدد نمره صفحه ها
نوشته شده از طرف هیئت اداره معمضی و هر ماهی

یکسریه از طرف هیئت مذکوره معاينة و کتاب تصدیق
خواهد شد و فاصله سطر های آن دفاتر باید یک
میزان بوده و ابدا تراشیدن و حکم گردن در اینها
جازی ندانند و اسکر سهوا یک یا چند کامه زیادی
نوشته شود باید یک خط نازک روی اینها با مرکب